

ضیافتی که رنگ خون گرفت

به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد ستارخان، مراسم بزرگداشتی در کتابخانه مجلس برگزار شد. به این بهانه به موضوع ورود وی به تهران و وقایعی که در پارک اتابک برای باقرخان پیش آمد پرداختیم.



به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد ستارخان، مراسم بزرگداشتی در کتابخانه مجلس برگزار شد. به این بهانه به موضوع ورود وی به تهران و وقایعی که در پارک اتابک برای باقرخان پیش آمد پرداختیم.

بی‌شک در تاریخ معاصر ایران رویدادهایی مسیر تاریخ را تغییر داده است. یکی از این وقایع، اختلافات شدیدی است که در سال‌های اولیه بعد از مشروطه در بین نیروهای فاتح به وقوع پیوست. این اختلافات به درگیری‌های خونینی رسید. بعد از پیروزی مجاهدان بر جریان تمامیت‌خواه دربار محمدعلی شاهی، روزگار بر تخت نشستن احمدشاه با شادی و سرور همگانی توام شد، اما شادی مردم بیش از یک سال دوام نداشت، زیرا پس از آن هرج و مرج بی‌سابقه و اختلافات شدید مجاهدان و فاتحان تهران فضای ایران را تیره و تار کرد؛ اختلافاتی که ریشه در ماهیت متفاوت نیروهای مشروطه‌خواه داشت. مشروطه، انقلابی برخاسته از یک طبقه یا نیروی اجتماعی خاص نبود، بلکه گروه‌ها و نیروهای اجتماعی متعددی در کنار هم مشروطه را به پیروزی رسانده بودند؛ از این رو بعد از پیروزی مشروطه، خواست‌ها و انتظارات هر کدام از مشروطه متفاوت بود. البته سفارتخانه‌های روس و انگلیس به کمک عوامل داخلی خود نیز بر این اختلافات دامن زده و بر شدت آن می‌افزودند.

«در سال اول فتح تهران رجب 1327 قمری، مطابق 1908 میلادی در ایران دو حزب پیدا شد؛ یکی انقلابی و دیگر اعتدالی و در همان سال بعد از افتتاح مجلس دوم این دو حزب به اسم (دموکرات عامیون) و (اجتماعیون اعتدالیون) رسمی شد و خودشان را به مجلس معرفی کردند. احزاب دیگر نیز مثل اتفاق و ترقی وجود داشت، اما چون در مجلس نماینده حسابی نداشتند گل نکرده و کاری از پیش نبردند. دموکرات‌ها که 28 نفر بودند مخالفان خود - یعنی اعتدالیون را که 36 نفر می‌شدند - ارتجاعی می‌نامیدند، زیرا آن حزب هوادار روش ملایم‌تر و رعایت سیر تکامل بود و اعتقاد به کشتن و از میان بردن مستبدان و ارتجاعی‌ها نداشت از این رو بیشتر اعیان به آن حزب پناه می‌بردند. سپهدار اعظم تنکابنی، سردار محیی، دولت‌آبادی‌ها، سیدعبدالله بزرگ بهبهانی، سیدمحمد بزرگ طباطبایی دو پیشوای مشروطه و غالب متنفذین و ناصرالملک نایب‌السلطنه و فرمانفرما و غالب اعیان و روحانیون و اکثریت مجلس دوم طرفدار یا عضو این حزب شدند. اینها دموکرات‌ها را انقلابی و تندرو می‌خواندند و در جراید خود از آنان انتقاد می‌کردند و احياناً از تهمت‌های دینی و تکفیر خودداری نداشتند. حزب اعتدال با 24 نفر موافقه و 4 اتفاق ترقی و 3 تن طراز اول و 7 نفر بی‌طرف ائتلاف داشتند. دموکرات‌ها که یک بند مرامشان انفکاک کامل قوه سیاسی از قوه روحانی و بند دیگر ایجاد نظام اجباری و بند دیگر تقسیم املاک رعایا و دیگر قانون منع احتکار و تعلیم اجباری و بانک فلاحی و ترجیح مالیات غیرمستقیم بر مستقیم و مخالفت با مجلس اعیان و... بود مورد هجوم علما و گروه انبوهی از رعایا و توده قرار گرفتند، اما نظر به این که افراد فعال، صاحب عقیده، باایمان، حرف‌زن و چیرنویس در میان آنها بود و اساساً منتقد و تندزبان بوده هوادار فقرا و رنجبران معرفی شده بودند، موفق شدند در مجلس، فراکسیون 28 نفری به وجود آورند و در خارج افراد کثیری از جوانان و... جوانان طبقه دوم را به خود جلب کنند و چند روزنامه خوش‌قلم، موجه و مشهور مانند ایران نو در تهران، شفق در تبریز و نوبهار در خراسان را منتشر سازند و مخالفان خود را به نام محافظه‌کار، ارتجاعی، سرمایه‌دار، اشراف و اعیان به باد انتقاد بگیرند.

روسای دموکرات سیدحسن تقی‌زاده، حسینقلی‌خان نواب، سلیمان میرزا، وحیدالملک و سیدمحمد مساوات بودند و روسای اعتدالیون میرزامحمدصادق طباطبایی، میرزا علی‌اکبرخان دهخدا، حاج‌آقا شیرازی، قوام‌الدوله و شکرالله‌خان بودند. علمای بزرگ مانند سیدعبدالله بهبهانی، سیدمحمد طباطبایی و دیگر افراد بانفوذ هوادار حزب اعتدالیون و اجتماعیون شده و ناصرالملک نایب‌السلطنه و سپهدار اعظم نیز طرفدار این جمعیت بودند. خوانین بختیاری غیر از مرتضی قلیخان، پسر صمصام‌السلطنه که در فراکسیون اعتدال عضو بود مابقی مخصوصاً سردار اسعد با هر دو طرف راه می‌رفتند، زیرا مستوفی‌الممالک که نامزد نیابت و ریاست وزرای دموکرات‌ها بود با خوانین بختیاری دوستی داشت.»¹

تا قبل از ورود ستارخان و باقرخان به تهران دو حزب عمده سیاسی 1 - دموکرات عامیون 2 - اجتماعیون اعتدالیون بودند. اختلافات بین این دو جریان سیاسی، روز به روز افزایش یافته و بر شدت این اختلافات هر روز افزوده می‌شد. این دو سردار ملی در روز 25 فرودین 1289 در میان استقبال باشکوه و بی‌سابقه مردم وارد تهران شدند.

در غروب هشتم رجب 1328 (24 تیر 1289) آیت‌الله بهبهانی رهبر اعتدالیون در خانه خود مورد سوءقصد چهار نفر قرار گرفت و به قتل رسید. در این رابطه هیچ گروهی مسئولیت این سوءقصد را به عهده نگرفت، اما کسروی اعتقاد داشت این سوءقصد به دستور تقی‌زاده و از سوی عوامل حیدر عموآوگلی صورت گرفته است.² بعد از این رویداد، علمای تهران و نجف علیه تقی‌زاده موضع گرفتند و وی با آن که وکیل مجلس و لیبر جمعیت بود، نتوانست در ایران بماند و از ایران خارج شد و تا زمان حکومت پهلوی به ایران نیامد.³

در غروب نهم مرداد 1289 علی‌محمدخان تربیت‌هنگامی که به همراه سیدعبدالرزاق‌خان یکی از مجاهدین از خیابان سعدی

فعلی به میدان مخابراتالدوله نزدیک می‌شد، به وسیله چند نفر به سرکردگی حسین بیک نوروزاف ترور شد و به قتل رسید. 4 در جریان این قتل، حسین بیک نوروزاف که از دسته معزالسلطان بود، دستگیر شد و بازپرسی‌های فراوانی از او در نظمیه به عمل آمد. ولی به جهت آن که تبعه روس بود، محاکمه وی را به دیوان محاکمات وزارت خارجه واگذار کردند.

پس از قتل تربیت، روس‌ها و انگلیس‌ها که قصد تسویه حساب با مشروطه‌خواهان را داشتند به بهانه نبود امنیت و لزوم ایجاد نظم فشار آوردند که باید ستارخان و یارانش خلع سلاح شوند. نکته جالب این که روسیه که مدعی برقراری امنیت بود در جریان بازجویی نوروزاف که متهم به قتل تربیت و عبدالرزاق بود، می‌کوشید مساله قتل همچنان در پرده ابهام باقی بماند. 5 جالب‌تر آن که متهم به قتل که در اختیار سفارت روس قرار داشت، پس از چندی بدون اجازه دولت و در حالی که هنوز محاکمه نشده بود آزادانه در شهر رفت و آمد کرده و بر ضد دولت دعوت و تهییج می‌کرده است. 6

در این ارتباط در مجلس آقای کاشف از وزیر امور خارجه سوال می‌کند، اما دلیل قانع‌کننده‌ای از وی نمی‌شنود. 7 مجموع این وقایع کمتر از یک ماه به وقوع پیوست، گویی سناریویی از پیش طراحی شده بود. دولت به استناد قانون منع حمل اسلحه مصوب بیست و یکم ربیع‌الاول ۱۳۲۸ قمری مصادف با دوازدهم فروردین 1289 مجلس شورای ملی، قانونی که 14 روز بعد از عزیمت ستارخان و باقرخان از تبریز به سمت تهران به تصویب رسید که این عزیمت نیز بنا به درخواست دولت صورت گرفته بود. بعد از وقایع ترور سیدعبدالله بهبهانی، علی‌محمدخان تربیت و سیدعبدالرزاق‌خان در اثر فشار سفارتخانه‌های روس و انگلیس برای خلع سلاح مجاهدان تبریز دولت به بهانه برقراری نظم و امنیت تصمیم گرفت مجاهدان تبریز را خلع سلاح کند. نظمیه بیست و هشتم رجب 1328 قمری (دوازدهم مرداد 1289) طی یک التیماتوم 48 ساعته به مجاهدان تبریز تمام توان نظامی خود و دیگر مجاهدان مسلح! (البته به استناد مواد یک تا سه قانون فوق این افراد نیروهای مسلح غیرقانونی بودند) بسیج و خود را برای حمله به پارک اتابک آماده کرد.

محمد ولیخان تنکابنی واقعه پارک اتابک را چنین روایت می‌کند: «به تاریخ روز شنبه غره شعبان در این یک ماه رجب که کابینه وزرا تجدید شد وقایعات قریب اتفاق افتاد به تحریک مفسدین مرحوم حجت‌الاسلام آقا سیدعبدالله مجتهد مقتول کردند، ملت شوریدند، بازارها بسته شد، چند روز بعد یک جمعی مجاهد به خونخواهی آقا سیدعبدالله، میرزا علی‌محمدخان که یکی از (در این قسمت مطالبی را محمد ولیخان رویش خط کشیده و حذف کرده است) با سیدباقر نام به شرح ایضا در خیابان مقتول کردند، همان قسم بازارها بستند شهر شلوغ اطراف مغشوش در این بین آقای یفرم‌خان ارمنی را به نظمیه و با سردار بهادر پسر حاج علیقلی‌خان سرداراسعد را به میان آوردند و این اسباب چینی کردند تا ستارخان سردار ملی و باقرخان سالار ملی که در یک پارک میرزا علی‌اصغرخان اتابک امین‌السلطان منزل داشتند روز یکشنبه غره شعبان سنه 1328 باغ را با 12 عراده توپ دوره کردند و مسلسل ماکزیم آوردند. شش هفت هزار سرباز نظمیه ژاندارم در آنجا حاضر کردند چهار ساعت جنگیدند. از اصناف و شهری بی‌اسلحه هم در آنجا بودند. بیچاره‌های مظلوم التماس‌ها کردند آخر تسلیم شدند. بی‌رحمانه بختیاری و ارمنی شب بعد از تسلیم به باغ ریختند. توپ، ماکزیم و تفنگ به قدر 300 نفر که از مجاهدین و فاتحین و اصناف شهر بودند مقتول و شهید کردند و ملت مسلمان ایران را تا قیام و قیامت لکه و بدنام کردند که فاتحین مشروطیت این قسم کشته و شهید و قتل شوند ستارخان هم زخم گلوله اگر چه هم ناخوش هم بود، پس از این که او را در بسترش خوابیده دیدند (یک نفر ارمنی با شش لول براق باو) گلوله زد سالار ملی را کتک وافری زدند.

بامزه بود ورود این دو نفر که روز ورودشان طاق‌های نصرت برایشان بستند، کالسکه‌های سلطنتی برایشان بردند، چه احترامات سلطنتی در حق این دو نفر کردند و حالا به این روز سیاه نشانده‌اند این ملت خوش‌غیرت. صبح چهارشنبه چهارم شهر شعبان 1328 مصادف است با نوزدهم مرداد 1289. 8

ترورها و وقایع یک ماه رجب را به ستارخان و مجاهدان تبریز نسبت دادند. به این بهانه مجاهدان تبریز را که در مشروطه چه جانفشانی‌ها کرده بودند که اگر شهامت و دلیری آنان نبود، مشروطه بعد از به توپ بستن مجلس به فرمان محمدعلی شاه از سوی لیاخف روسی شکست خورده بود. به بهانه ایجاد امنیت این مجاهدان را به خاک و خون کشیدند و یکی از اندوهناک‌ترین وقایع تاریخ مشروطه را به ثبت رساندند، تا به قول دولتمردان آن روزگار امنیت را به جامعه بازگردانند. واقعه تلخ پارک اتابک و سرکوب مجاهدان تبریز زمینه را برای تجاوزات روسیه به نواحی شمال ایران و تبریز فراهم کرد. زیرا قوای دولتی قادر به مقاومت در برابر نیروهای متجاوز نبود و تنها نیرویی که می‌توانست در برابر این تجاوزات ایستادگی کند نیروهای مجاهدان آن روزگار بود که اگر به جای سرکوب این نیروها آنان را در قالب یک ارتش مردمی سازمان می‌دادند شاید تاریخ به نوعی دیگر رقم می‌خورد. با توجه به ضعف ارتش ایران در آن روزگار نیروهای متجاوز برای بر هم زدن توازن نظامی به نفع خود تنها مانع خطرناک یعنی نیروهای مردمی که در قالب مجاهدان تبلور یافته بود را ابتدا با ایجاد بلوا و ناامنی سپس به بهانه ایجاد امنیت از سوی عوامل داخلی خود آنان را قلع و قمع کردند.

اما نکته آخر این که حدود شش ماه بعد از واقعه پارک اتابک «مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله، وزیر مالیه دولت مستوفی‌الممالک، در چهارم صفر سال 1329 قمری (چهاردهم بهمن 1289) از سوی دو نفر گرجی تبعه روس ترور شد. قاتلین او را دستگیر کرده به نظمیه بردند و از آنان بازجویی مقدماتی به عمل آمد. پس از دو روز با حضور نماینده سفارت روس در محاکمات وزارت امور خارجه از ایشان بازجویی گردید و چون تابعیت روسی آنان مسلم شد، دو روز بعد در راستای اجرای مقررات کاپیتولاسیون، به سفارت روس تحویل داده شدند. از آن پس محاکمات همه کارهای خود را تعطیل کرده تا به این ماجرا رسیدگی کند و با حضور نماینده سفارت روس و مستنق عدلیه از متهمان و شهود آن قتل بازجویی کنند. روند محاکمه تا صدور ادعانامه در محاکمات ادامه یافت و سپس متهمان برای صدور و اجرای حکم مجازات به روسیه انتقال یافتند. 9»

پانوشته‌ها:

1- تاریخ مختصر احزاب سیاسی انقراض قاجاریه، ملک‌الشعراى بهار، انتشارات امیرکبیر، سال 1323 صص 8، 9 و 10. 2- کسروی، تاریخ هجده ساله، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، سال 1357، صص 130 و 131. 3- تاریخ مختصر احزاب سیاسی انقراض قاجاریه، تالیف ملک‌الشعراى بهار، انتشارات امیرکبیر، سال 1323، ص 11. 4- کسروی، تاریخ هجده ساله، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، سال 1357، صص 132 و 133. 5- سند وزارت عدلیه از اسناد آرشیو سازمان اسناد ملی ایران. 6- گنجینه اسناد تابستان 1370 - شماره 2 (واقعۀ پارک اتابک) نویسنده مهدی محمدی. 7- دور دوم مجلس شورای ملی جلسه ۱۳۵ صورت مشروح سه‌شنبه بیست و چهارم شهر شعبان‌المعظم ۱۳۲۸. 8- یادداشت‌های سپهسالار اعظم محمدولی‌خان خلعتبری تنکابنی، گردآورنده عبدالصمد خلعتبری، تهران 1328، ص 41. 9- گنجینه اسناد بهار و تابستان 1371، شماره 5 و 6، اسناد قتل صنیع‌الدوله.

محسن پورفولادچی / پژوهشگر تاریخ معاصر